

# بررسی و تجزیه و تحلیل اثر هنری

- مطمئناً کسی منکر نازل بودن سطح فهم و درک بصری جامعه ما از آثار هنرهای تصویری نیست. کم‌توجهی هنرمندان، فرهیختگان، نویسندگان و منتقدان عرصه‌ی هنر، در گریز مخاطبین و آحاد جامعه از هنرهای تجسمی و تصویری بی‌تاثیر نیست.
- لزوم پرورش و ارتقای سطح دانش بصری افراد جامعه از وظایف رسانه‌ها و صاحب دغدغه‌های فرهنگی است.
- در این بخش به تجزیه و تحلیل آثار هنری می‌پردازیم

1. اگر این اصل را بپذیریم که هر هنرمند  
واجد "فن و تکنیک" در آفرینش اثر هنری،  
ناچار از بکارگیری "تخیل" و "گزینش"  
سوژه‌هایی فراتر از واقعیت بیرونی است،  
پس ورود عواطف و احساسات هنرمند به  
عنوان عصاره‌ی تکمیل‌کننده‌ی اثر به درون  
آن ضرورت بعدی است:

**فن + تخیل + عواطف = خلق اثر هنری**

2- هر اثر هنری که ترکیبی است از تخیل و احساسات هنرمند، قطعاً نمی‌تواند با یک قالب منجمد و غیر منعطف مورد تفسیر قرار گیرد.

**لذا هر مخاطبی در مواجهه با اثر هنری برداشت و فهم خاص خود را دارد.**

این بدین معنا نیست که تفسیر و تاویل اثر هنری بی‌ضابطه و بدون منطق است. اما می‌توان ادعا کرد که **منطق و استدلال خاص خود را در بطن خود می‌آفریند.**

3- هر شخصی بسته به:

میزان آشنایی‌اش با آثار هنری

و شیوه‌های بیان هنرمند از یک سو،

و توانایی در بکارگیری ذوق و دقت نگاه خود،

قادر است به برداشت منطقی عمیق‌تری از یک

اثر هنری دست یابد و زوایایی را به جستجو

بنشیند که در اثر هنری بر ضمیر ناخودآگاه

مخاطبین موثر می‌افتد، بدون آنکه آگاهانه متوجه

آن باشند.

# گام اول: از خود پرسیم

از خود پرسیم:

این اثر هنری متعلق به کیست؟

کی و کجا خلق شده است؟

پیشینه و تجربه صاحب اثر چیست؟

این اثر چه کارکردی را در بر دارد؟

عکس العمل مخاطبین و جامعه در قبال ظهور اثر چگونه بوده است؟

این اثر متعلق به کدام نحله و مکتب هنری است؟

این سوالات منتج به پاسخهایی خواهد شد که **مکمل تحلیل اثر و قوی کننده استدلالهای ما از مضمون و محتوای آن است.**



# گام دوم: توجه به موضوع اثر

- توجه به موضوع اثر: موضوع اثر **تمایل جدی هنرمند به امور پیرامونش** را افشا می‌کند. چه چیزی در زندگی هنرمند آنقدر مهم است که موضوع اثر او را به خود اختصاص داده است؟
- تصویر خیابانی آشفته و پر از زباله و سطحی ترک‌خورده، منطقه‌ای فقیرنشین از یک شهر را تداعی‌گر است. تصویر گلدانی در قاب یک پنجره‌ی بسته و چهره‌ی دختری جوان با لباسی فاخر در کنار آن، تنهایی مفرط یک "زیبایی دست‌نخورده‌ای" را القا می‌کند. گرچه مدافعان سرسخت "فرم" (فرم‌گرایان)، سعی در بی‌تفاوت جلوه دادن خود نسبت به موضوع یک اثرند، اما عمده‌ی مخاطبین علاقمندند تا شاهد موضوعی باشند از دنیای واقعی با پرداختی هنرمندانه، که خود یا هموعانشان در مسیر زندگی خود با آن مواجه و درگیرند.

# گام سوم: التفات به فرم و شکل اثر

اجزایی از یک اثر که با کنار هم قرار گرفتن، روابطی را شکل می‌دهند که فرم آن اثر را می‌سازد. در نتیجه فرم اثر شامل:

(1) عناصر بصری (2) ترکیب‌بندی است.  
(1) عناصر بصری - خط، رنگ، درجه‌ی تیرگی و روشنایی (تونالیته)، شکل، بافت و فضا همگی عناصر بصری یک اثر هنری را تشکیل می‌دهند.

این عناصر نخستین چیزهایی است که چشم بیننده دریافت می‌کند. به عنوان مثال یک اثر هنری با رنگهای ملایم و خطوط منحنی، احساس نرمی و لطافت را به ما منتقل می‌سازد. خطوط ناهموار، اشکال دندان‌دار و رنگهای تند اثری تکان‌دهنده را می‌آفریند.





(2) ترکیب‌بندی - نوع رابطه‌ی بین عناصر بصری که ذکر شد و نحوه‌ی قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر، ترکیب‌بندی اثر را می‌سازد. نوع این روابط درک ما از اثر هنری را شکل می‌دهد و حتی کیفیت و قدرت تاثیرگذاری آن را تعیین می‌کند.

هر چند می‌توان بی‌نهایت رابطه میان عناصر بصری متصور شد، اما سه اصل کلی در درون این روابط حاکم است که یک اثر را حداقل در اندازه‌ی کلاسیک آن، به اثری هنری تبدیل می‌کند. این اصول عبارتند از:

**هماهنگی، وحدت و تنوع.**



- \* وحدت اجزا و عناصر، شکل‌دهنده‌ی اثر هنری از لحاظ محل قرار گرفتن، اندازه‌ها، تناسبات، کیفیات و جهت عناصر است.
- \* هماهنگی همان وجود نظم و ترتیبی است میان اجزا، تا بیانی روشن و گویا را القا کند.
- \* تنوع نیز در چند وجهی بودن اثر نمایان خواهد شد که با تحرک و پویایی، جذابیت عاطفی و بصری تولید می‌کند.

